

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه مباحث گذشته

اصل قاطعیت تردد در سی روز در مورد وجوب قصر اثبات شد؛ لذا در روز سی و یکم ولو یک نماز داشته باشد باید آنرا تمام بخواند. در ادامه مرحوم امام (ره) سه فرع را ذکر نموده است.

مسئله 18

ایشان می فرماید: «یشترط اتحاد مكان التردد كمحل الإقامة، فمع التعدد لا ينقطع حكم السفر»^[1] همان گونه که در قاطع دوم یعنی قصد اقامت ده روز باید محل اقامه واحد باشد، محل تردد نیز باید واحد باشد؛ یعنی این شخص باید سی روز به صورت مردد در بلد یا مکان واحد بماند.

در مسئله شش و در بحث اقامه ده روز ایشان فرمود: «یشترط وحدة محل الإقامة»^[2] در نتیجه اگر محل تردد شخصی یک مکان نیست و مرتب آنرا عوض می کند تا سی روز شود، مفید فائده نیست.

این شرط در عبارت مرحوم سید (ره) و مرحوم امام (ره) به عنوان وحدت مکان ذکر شده است. مرحوم شیخ انصاری (ره) همین شرط را با تعبیری دیگر ذکر نموده و می فرماید: «المعتبر عدم الخروج من محل التردد الى الخارج عرفاً»^[3] یعنی به نظر عرف از مکان تردد خارج نشود.

البته این تعبیر مرحوم شیخ (ره) دقیقتر از بیان «یشترط وحدة المكان» است چرا که در باب اقامه چون قصد اقامه وجود دارد سبب و موضوع می شود که مکان نیز واحد باشد. اما در مسئله محل بحث قصد تردد لازم نیست و تردد برای وی حاصل می شود پس باید بگوئیم از محلی که مردد است نباید خارج شود.

ادله مسئله 18

دلیل شرط مذکور ظهور روایاتی است که پیش از این بیان شد پس در اصل اشتراط این شرط، تردید وجود ندارد؛ مثلاً در یک روایت وارد شده بود «فَإِنْ أَقَامَ بِذَلِكَ الْبَلَدِ أَكْثَرَ مِنْ شَهْرٍ فَلْيُتِمَّ الصَّلَاةَ»^[4] یعنی اگر به حد مسافت رسید و در چند مکان به صورت مردد و چند روز ماند تا به سی روز برسد، کافی نیست؛ بلکه باید در یک بلد به صورت مردد اقامه داشته باشد.

مرحوم سید (ره) موردی را به این مسئله الحاق نموده است که این مسئله در کلام مرحوم امام (ره) ذکر نشده است. ایشان می‌فرماید: «و کذا لو كان مشغلاً بالسیر و هو متردد فإنه یبقی علی القصر إذا قطع المسافة» [5] یعنی اگر شخصی اشتغال به سیر داشت به این معنا که در حال سفر است و در یک محل نمی‌ماند و در عین حال مردد است و نمی‌داند در کدام یک از این مکان‌ها باید بماند، اگر این شخص از حد مسافت گذشت باید نماز را قصر بخواند.

اگر مراد از تعبیر «مشتغلاً بالسیر» معنای لغوی آن باشد الحاق صحیح است. اما اگر معنای «کثیر السفر یدور فی عمله» مدنظر باشد مسلماً این شخص باید نماز را تمام بخواند. به نظر می‌رسد مقصود مرحوم سید (ره) همان معنای لغوی است چرا که در کثیر السفر این شخص از وطن خود حرکت نموده و در هر مکان چند ساعتی برای انجام کار خود می‌ماند، لذا باید بگوئیم نمازش تمام است.

در مورد کثیر السفر قدمات عنوان «من كان سفره اکثر من حضره» را مطرح نموده اند اعم از این که سفر شغلی باشد یا نباشد. مرحوم والد ما (ره) می‌فرمود: اگر کسی ساکن تهران است اما در عین حال قصد دارد هر هفته برای زیارت حضرت معصومه (علیها السلام) به قم سفر کند، نمازش در قم تمام بوده و از مصادیق کثیر السفر به بیان قدمات است چرا که این شخص ده روز را در حضر خود نمی‌ماند و هفته‌ای یک بار قصد زیارت دارد.

اما در مسئله محل بحث این چنین نیست که شخص قصد دارد همیشه در حال سیر باشد لذا گفتیم احتمال دارد مرحوم سید (ره) معنای لغوی را مدنظر قرار داده باشد؛ یعنی شخص می‌داند قصد دارد هشت فرسخ را طی نماید اما در عین حال می‌گوید: به سفر می‌روم تا ببینیم چه می‌شود. در این سفر نیز در جایی ثابت اقامه ندارد تا این که سی روز تمام می‌شود.

کلام مرحوم صاحب جواهر (ره)

مرحوم صاحب جواهر (ره) علاوه بر روایات دلیل دیگری برای لزوم وحدت مکان ذکر نموده است. ایشان می‌فرماید: «اقتصاراً علی المتیقن... لا یقدح فیهِ مطلق الخروج حتی لمحل الترخص و نحوه مما لا ینافی صدق اسم الوحدة عرفاً.» [6]

چنین به نظر می‌رسد اقتصار بر متیقن دلیلی ندارد و ظهور روایات در وحدت مکان روشن است. بله اگر روایات اطلاق داشته و شک داشتیم و نتوانستیم به اصالة الاطلاق تمسک نمائیم می‌توان مسئله قدر متیقن را مطرح نمود.

مسئله 19

مرحوم امام (ره) در مسئله بعد می‌فرماید: «حکم المتردد المستقر علیه التمام بعد ثلاثین یوماً إذا خرج عن مکان التردد إلی ما دون المسافة و کان من نیته العود الی ذلك المکان حکم العازم علی الإقامة و قد مر حکمه.» [7] یعنی اگر شخص از مکان تردد تا مادن مسافت خارج شود و نیتش این باشد که مجدداً به مکان تردد باز گردد، همان مطلبی که در مورد شخصی که قصد اقامت ده روز دارد را گفتیم، در مورد این شخص نیز جاری است.

در مورد مقدار خروج در موردی شخصی که قصد اقامت ده روز دارد اختلاف وجود داشت که پیش از بیان شد. اما هر مبنایی که در آن بحث داشتیم باید در این مسئله نیز مطرح شود؛ لذا مرحوم حکیم (ره) و مرحوم خوئی (ره) می‌فرمایند: «الدلیل فی البابین واحد.» [8]

همچنین مرحوم خوئی (ره) می‌فرماید: تفاوت اقامت ده روز و سی روز مردد از حیث قصد و عدم قصد است؛ یعنی در عشرة ایام قصد وجود دارد اما در تردد سی روز قصد وجود ندارد.

مرحوم اصفهانی (ره) نیز در این بحث می‌فرماید: «أَنَّ الثَّلاثِينَ مَعَ نِيَّةِ الْإِقَامَةِ مُشْتَرِكٌ فِي سَائِرِ الْأَحْكَامِ، وَهُوَ اعْتِبَارُ الْإِقَامَةِ فِي مَحَلٍّ وَاحِدٍ، وَحُكْمُ الْخُرُوجِ إِلَى مَا دُونَ الْمَسَافَةِ، وَحُكْمُ بَطْلَانِ الْإِقَامَةِ وَالْعَوْدِ إِلَى مَحَلِّ الْإِقَامَةِ، وَالتَّوَقُّفُ عَلَى إِنْشَاءِ سَفَرٍ جَدِيدٍ، وَالتَّلَبُّسُ بِهِ فِي عَوْدِ الْقَصْرِ»^[9] یعنی تردد سی روز با قصد اقامه ده روز در تمام احکام مشترک هستند.

پس همان‌گونه که در آن بحث، خروج تا حد مسافت ولو یک مرتبه ولو یک دقیقه مسلماً محل به قصد اقامه است در این مسئله نیز چنین است. این سوال در دو مسئله مطرح است که آیا تنها تا حد ترخص می‌تواند خارج شود یا بیش از آن نیز می‌تواند؟

برخی مانند مرحوم امام (ره) و مرحوم خوئی (ره) همان‌گونه که در آن مسئله می‌فرمایند: اگر زائد بر حد ترخص به مقدار یسیر—ساعة او ساعتین— و یک مرتبه باشد مشکلی ندارد در این مسئله نیز باید بگویند: در طول سی روز یک مرتبه و به مقدار یسیر می‌تواند برود و برگردد.

مرحوم سید (ره) همان‌گونه که در آن مسئله فرمود: این شخص هر روز می‌تواند برود و حتی در مادون مسافت می‌تواند بیتونه کند اما از لحاظ عرفی باید بگویند این شخص ده روز را در این مکان مانده‌است، در این مسئله نیز باید بگویند در طول سی روز می‌تواند تا مادون حد مسافت برود و برگردد و حتی بیتوته نماید.

به نظر ما ملاک این است که صدق اقامه عرفی وجود داشته باشد. اما در رفتن به مادون مسافت و بیتوته کردن اشکال داشتیم و گفتیم بیتوته با صدق عرفی اقامه سازگار نیست.

یا اگر کسی بگوید هر روز نیز می‌تواند این شخص از محل اقامه خارج شود در این بحث نیز باید چنین مطلبی را قائل شود. لذا گفتیم اگر طلبه‌ای قصد اقامه در روستایی داشت می‌تواند به روستای دیگر که تا مادون مسافت باشد هر روز برود و ساعاتی را بماند و برگردد.

اشکال و جواب

شاید به ذهن بیاید که اصل اشتراط اقامت ده روز یا اقامت سی روز به صورت مردد توسط شارع بیان شده‌است پس چرا باید سراغ عرف برویم؟! کما این‌که در مسافت شرعی نیز می‌گوئیم شارع فرموده‌است هشت فرسخ لذا به مسامحه عرف اعتنائی نمی‌شود و شخص حتماً باید هشت فرسخ را طی کند. در حالی‌که عرف اگر مقداری کمتر از هشت فرسخ باشد نیز به آن هشت فرسخ اطلاق می‌کند.

در پاسخ می‌گوئیم هر چند اصل اشتراط اقامه ده روز توسط شارع بیان شده‌است اما وقتی در مورد عنوان اقامه به عرف می‌گوئیم اقامه ده روز به نظر تو چیست؟ عرف می‌گوید: خروج از این محل تا مادون حد مسافت یا به اندازه حد ترخص محل به قصد اقامه نیست. بله در اقامه ده روز و از حیث عدد ده ولو ملفقاً، اعتنائی به نظر عرف نیست و لذا ده روز باید کامل شود.

به بیان دیگر در اقامه عشرة ایام دو عنوان وجود دارد که عنوان اقامه، عرفی و عنوان عشرة، شرعی است. پس در مورد عنوان اقامه می‌توان به عرف مراجعه نمود، اما در مورد عنوان عشرة چنین نیست و حتی مثلاً یک ساعت کمتر از آن که عرف در مورد آن مسامحه می‌کند مورد قبول نمی‌باشد.

اما در مسئله مسافت شرعی چنین نیست یعنی اگر شارع حد هشت فرسخ را تعیین نمود و عرف به میزان کمی از این مقدار نیز هشت فرسخ گفت، به آن اعتبار نمی‌شود چرا که در تحدیدات شرعی به نظر و مسامحات عرف اعتباری نیست.

بلوغ دختران و مسامحات عرفی

این مسئله در بلوغ دختران نیز مطرح است. شارع در بلوغ دختران می‌فرماید: در دختر نه سال قمری کامل ملاک است ولو علائم دیگر را نداشته باشد؛ در حالی که طبق نظر عرف اگر مثلاً یک ساعت از نه سال کمتر باشد نیز عرف با مسامحه می‌گوید: این دختر بالغ است.

در رابطه با بلوغ دختران در نه سالگی این سوال مطرح است که اگر دختر به نه سال رسید اما فاقد سایر علائم بلوغ بود و نمی‌توانست روزه بگیرد آیا روزه گرفتن بر او واجب است یا خیر؟!

این بحث را با مرحوم والد (ره) داشتیم و خدمت ایشان عرض کردم خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ»^[10] هر چند طبق روایات این آیه در فتاوا تنها بر شیخ و شیخه تطبیق شده است اما به این دلیل که اطلاق دارد شامل دختران با این شرائط خاص نیز می‌شود؛ یعنی هر چند این دختر می‌تواند نماز بخواند اما در مورد روزه اگر از لحاظ عرفی فوق طاقتش باشد، تنها باید کفاره پرداخت نموده و نیاز به قضاء نیز ندارد.

البته آیه، طاقت به حسب طبیعی را بیان نموده است چه به خاطر کِبَر سن یا صِغَر سن اما شامل افراد مریض که طاقت در آنها چنین نیست نمی‌شود لذا آیه در مورد آنها می‌فرماید: «فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ»^[11] یعنی اگر چنین مشکلی داشتند باید در زمان دیگر قضای روزه را به جای آورند.

در مقابل برخی در مورد دختران با این شرائط خاص می‌فرمایند: چون در حال حاضر حکم حرج برای این دختر وجود دارد، هر چند اصل روزه در ماه مبارک رمضان را برداشته می‌شود اما در ایام دیگر باید قضای آن را به جا بیاورد.

مسئله 20

مرحوم امام (ره) در مسئله بعد می‌فرماید: «لو تردد في مكان تسعة و عشرين مثلاً أو أقل ثم سافر الى مكان آخر و بقي متردداً فيه كذلك بقي على القصر ما دام كذلك إلا إذا نوى الإقامة بمكان أو بقي متردداً ثلاثين يوماً»^[12] یعنی اگر در مکانی بیست و نه روز به صورت مردد باقی ماند و خارج شد. مجدداً در مکانی دیگر بیست و نه روز به صورت مردد باقی می‌ماند و خارج می‌شود، حکم این شخص در مورد نماز مادامی که تردید دارد و به سی روز نمی‌رسد قصر است.

در ذیل استثنائی ذکر نموده‌اند در حالی که استثناء مذکور وجهی ندارد؛ چون مفروض این است که شخص قصد اقامه نداشته و ثلاثین یوماً در آن مکان نمانده است.

کلام مرحوم سید (ره)

فرعی را مرحوم سید (ره) بیان نموده که مرحوم امام (ره) به آن نپرداخته است. مرحوم سید (ره) می‌فرماید: «المتردد ثلاثين إذا أنشأ سفراً بقدر المسافة لا يقصر إلا بعد الخروج عن حد الترخص كالمقيم كما عرفت سابقاً»^[13] یعنی شخصی سی روز در مکانی می‌ماند و روز سی و یکم نماز را تمام می‌خواند اما روز سی و دوم قصد دارد سفر جدیدی را انشاء نماید. ایشان

می‌فرماید: همان‌گونه که در قصد إقامة گفتیم باید بعد از قصد انشاء جدید، فقط بعد از حد ترخص نماز را باید شکسته بخواند.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

- [1]. تحرير الوسيلة، ج، ص: 262.
- [2]. تحرير الوسيلة، ج، ص: 259.
- [3]. «و هل يشترط هنا كما في الإقامة عدم الخروج عن محلّ التردد إلى الخارج عنه عرفاً؟ ظاهر الأخبار ذلك.» كتاب الصلاة (للشيخ الأنصاري)، ج، ص: 50.
- [4]. «و بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا عَزَمَ الرَّجُلُ أَنْ يُقِيمَ عَشْرًا فَعَلَيْهِ إِتِمَامُ الصَّلَاةِ وَإِنْ كَانَ فِي شَكٍّ لَا يَدْرِي مَا يُقِيمُ فَيَقُولُ الْيَوْمَ أَوْ غَدًا فَلْيُقَصِّرْ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَهْرٍ فَإِنْ أَقَامَ بِذَلِكَ الْبَلَدِ أَكْثَرَ مِنْ شَهْرٍ فَلْيُتِمَّ الصَّلَاةَ.» وسائل الشيعة، ج8، ص: 502.
- [5]. العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج، ص: 158.
- [6]. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج، ص: 320.
- [7]. تحرير الوسيلة، ج، ص: 262.
- [8]. مستمسك العروة الوثقى، ج، ص: 153.
- [9]. صلاة المسافرين (للسيد الأصفهاني)، ص: 133.
- [10]. بقره، 184.
- [11]. بقره، 184.
- [12]. تحرير الوسيلة، ج، ص: 262.
- [13]. العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج، ص: 159.